

بنابراین چنانکه ما نیز شاهدان بزرگی را گرداگرد خود داریم، هر بار گران و گناهی را که به ما سخت می‌پیچد، دور بکنیم و با صبر در آن میدان که برای ما مقدر شده است بدویم، و به سوی پیشوا و کامل‌کننده ایمان، یعنی عیسی نگران باشیم که بجهت آن خوشی که پیش او موضوع بود، بی‌حرمتی را ناچیز شمرده، متحمل صلیب گردید و به دست راست تخت خدا نشسته است. پس تفکر کنید در او که متحمل چنین مخالفتی بود که گناهکاران به او پدید آمد، مبادا در جانهای خود ضعف کرده، خسته شوید

اجتماع عزیز! به عنوان یک مسیحی تولد جدید داشتن و زندگی کردن و بالاخره مردن کار راحتی نیست. این یک تحمل زیادی را می‌طلبد، این یک نگاه دور بینانه ای را می‌طلبد، این می‌طلبد که امیدواری زیادی داشته باشید و این سبک زندگی با خودش درد و رنج و قربانی شدن را به همراه دارد. و در عین حال این بزرگترین و اعجاب اورترین اتفاقی است که برای هر انسانی امکان دارد پیش بیاید. مثل حس خوشی که والدین از تولد نوزاد تازه متولد شده دارند، خداوند و تمام آسمان برای هر گناهکار که توبه می‌کند همین مقدار شاد می‌شوند و او انسان تازه تولد یافته‌ای خواهد بود بعد از توبه کردن. در این موعظه من می‌خواهم بنابراین یک ریسکی انجام بدهم: من می‌خواهم زندگی مسیحی را با تولد یک بچه مقایسه کنم. این خیلی پر خطر است چون بچه‌دار شدن و متولد شدن یک مسأله کاملاً خصوصی و حیاتی و محرمانه است. و این با زندگی مسیحی ما نیز تناسب دارد چون این سبک زندگی هم شخصی و حیاتی و یک موضوع محرمانه است

ایمان ما و مسیحی بودن ما خیلی برای ما مهم است. این برای ما به این معنی است که ما به خدا تعلق داریم و فرزندان مورد علاقه‌او هستیم. شما ولی یک پدیده ناخوشایندی را هم برای گفتن دارید و آن درد زایمان است. وقتی تو مسیحی هستی این به این معنی است که تو با خواسته‌های گناه آلود و گناهکاران، که در آن‌ها گیر کرده‌ای، در جنگیدن هستی. تو دیگر نمی‌توانی این را قبول کنی که در برابر خواسته خدا قرار بگیری و به همین منوال زندگی کنی. آن یک زندگی در انتظار است که با توبه و رجوع به خود شروع می‌شود. تو یاد می‌گیری که اشتباه خودت را بپذیری و خودت را تغییر دهی تا بهتر از قبل بشوی. شاید تو مورد حمله و تمسخر دیگران قرار بگیری و شاید هم تحت تعقیب قرار بگیری که این عقیده را داری و دیگران این نظر را دارند که ایمان تو فقط یک چیزی است که باعث می‌شود تمام خوشی‌ها از بین برود و یا اینکه ایمان تو اشتباه است. این حملات برای ایمان ما خیلی دردناک است و آن‌ها بر ما فشار می‌آورند. حتی آن‌ها می‌تواند ما را از هدف اصلی نامید کنند، بله این‌ها قسمتی از زندگی مسیحی هستند. درست مثل زن بار دار که تمام این درد‌ها را برای تولد نوزاد تحمل می‌کند ما نیز به همین تولد جدید می‌توانیم امیدوار باشیم. خدا آزادی بزرگی را برای تو آماده خواهد کرد که این پاداش تمام این رنج‌های جاری و جنگ‌ها را جبران می‌کند. پس در این راه بمان و ادامه بده! او تو را تنها نخواهد گذاشت. در موعظه امروز ما می‌خوانیم: چنانکه ما شاهدان بزرگی گرداگرد خودمان داریم* جلوی تو و کنار تو میلیون‌ها مسیحی با همچین وقایعی جنگیدن و در حال جنگ هستند. در انجیل ما درباره آن‌ها می‌خوانیم، درباره نوح، ابراهیم، و سارا، اسحاق و یعقوب، موسوی، راهاب، داوود و خیلی کسان دیگر، همه آن‌ها پایداری زیادی از خودشان نشان دادند. آن‌ها در خودشان نقاط ضعف را یافتند و این

را یاد گرفتند که به وعده خدا اعتماد کنند. آن‌ها یادگرفتند که ایمان یک اطمینان قوی است به چیزهای دیده شده و برهان چیزهای نادیده. (عبرانیان 11 آیه 1) و در آخر آن‌ها همه در آسمان در جایگاه برنده نشسته‌اند و ما را تشویق می‌کنند در داستان زندگی تا ادامه دهیم. با آن‌ها مسیحیان دیگری هم هستند که در آسمان هستند. مسیحیان دیگر که مثل تو در یک کشتی مشابه نشسته‌اند. آن‌ها شاید در زندگی مسیحیشان خیلی تجربه‌هایی داشته باشند که بتوانند در راه ایمان به تو کمک کنند. برای ما ادمهای غربی حمایت کردن شاید خیلی دلپذیر نباشد. ما فکر می‌کنیم که اعتقاد ما خصوصی است و به کس دیگر ربط ندارد. بنابراین ما در مورد توصیه‌ها و کمک دیگران اغلب برداشت غلط و بی‌شرمانه داریم. بله ما نیز مثل یک زن حامله که برای به دنیا آوردن بچه به دلگرمی قابله و راهنمایی‌های پزشک نیاز دارد، ما نیز به همین حمایت‌ها نیاز داریم. و شاید هم همین دخالت کردن برادران و خواهران ایمانی ما برای ما آموزنده باشد. و همه چیز هم در موارد شخصی ایمانی خلاصه نمی‌شود. و ما در مورد موارد ضروری صحبت می‌کنیم و به همدیگر نقاط کور خودمان را یادآوری می‌کنیم و در آن موارد دخالت می‌کنیم و از پاستور هم می‌خواهیم که در این موارد داخل شود. اگرچه برای ما شاید خجالت‌آور است. بعد شاید این اتفاق بیافتد که ما مثل والدین جوان دوره آماده‌سازی برای تولد را متوجه بشویم، که ما با ترس‌هایمان و چیزهای ناپیدا تنها اینجا قرار نداریم. و می‌توانیم این چیزها را با دیگران تقسیم کنیم و می‌توانیم مثل آن‌ها از خدا امید به کمک داشته باشیم. این کمک را خدا از طریق عیسی برای ما فرستاده است. عیسی برای زندگی ایمانی ما بزرگترین و بهترین الگو هست. او کاملاً انسان شد و از مقام خدایی خود انصراف داد، در صورتی که او تماماً به کمک و عهد خداوندی محتاج بود، همچنین در بزرگترین و بدترین شرایط، در حال مرگ بر روی صلیب مطیع خداوند بود. و خدا عهد خود را نگه داشت. او عیسی را از مرگ بلند کرد و بر دست راست فرمانروایی خود نشاند. و برای همین هم او خیلی بیشتر از یک الگو برای زندگی ایمانی ما است. او در عین حال افریننده است، او هدف است، و یا او همان عهد است، او پدر و پزشک و فرزند ایمان ماست. در او و از طریق او خداوند ما را فرزندان پیروز خود می‌کند. عیسی در ما با گناهان ما می‌جنگد و ما را که در گناهان گیر کردیم توان می‌دهد تا ادامه دهیم تا آخر راه

بنابراین چنانکه ما نیز شاهدان بزرگی را گرداگرد خود داریم، هر بار گران و گناهی را که به ما سخت می‌پیچد، دور بکنیم و با صبر در آن میدان که برای ما مقدر شده است بدویم، و به سوی پیشوا و کامل‌کننده ایمان، یعنی عیسی نگران باشیم که بجهت آن خوشی که پیش او موضوع بود، بی‌حرمتی را ناچیز شمرده، متحمل صلیب گردید و به دست راست تخت خدا نشسته است. پس تفکر کنید در او که متحمل چنین مخالفتی بود که گناهکاران به او پدید آمد، مبادا در جانهای خود ضعف کرده، خسته شوید. هنوز در جنگ با گناه تا به حد خون مقاومت نکرده‌اید

در این راه خدای قادر متعال با ماست! امین